

Characterization of Behbahani's Phonological System

Batul Alinedjad¹

Kheiri Sharizade²

Phonological system of Behbahani dialect has 25 consonants and 12 vowels which are either simple or complex. Its basic syllabic structure is cvcc. Behbahani speakers use /ž/phoneme instead of /Ĵ/.The main phonological processes of Behbahani dialect are as follows:

- lenition*
- conversion*
- forition*
- vowel alternation*
- metathesis*
- deletion*

Change of /āb/,/ab/,/af/syllables to /ow/syllables as the result of lenition and assimilation

- changing the syllable structure of diminutive nouns and deletion of some of the phonemes

Key words: *assimilation, lenition, forition, vowel alternation*

¹ - Faculty Member, linguistics Department, Esfahan University
batool_alinezhad@yahoo.com

² - M.A. Student, Linguistics Department, Esfahan University
sharifzade.zahra@yahoo.com

توصیف دستگاه واجی گویش بهبهانی

بتول علی نژاد^۱

خیری شریف زاده

۲

چکیده

دستگاه واجی گویش بهبهانی دارای ۲۵ همخوان و ۱۲ واکه (ساده و مرکب) و آرایش واجی CVCC است. اهل این گویش بجای واج /z/ از واج /j/ استفاده می‌کنند. در میان فرایندهای مهم واجی می‌توان فرایندهای زیر را نام برد:

الف- تضعیف، ب- درج، پ- تقویت، ت- حذف، ث- دگرگونی واکه‌ای، ج- تبدیل، چ- قلب، ح- تغییر هجاهای $|ab| - |ab| - |af|$ به ow در نتیجه دو فرایند تضعیف و هم‌گونی، خ- تغییر ساختار هجاهای اسم‌های مصدر و حذف برخی واجها

واژه‌های کلیدی: همگونی، تضعیف، تقویت، دگرگونی واکه‌ای

مقدمه

گویش بهبهانی یکی از لهجه‌های فارسی قدیم است که در تقسیم‌بندی زبان‌ها و گویش‌های کنونی ایران جزو گویش‌های جنوب غربی محسوب می‌شود. (مینورسکی، ۲۸-۲۷) گویش مذکور در شهرستان بهبهان رایج است. این شهرستان در ۲۱۲ کیلومتری جنوب شرقی مرکز استان یعنی اهواز واقع شده است و دارای جمعیتی بالغ بر ۱۷۰۰۰۰ نفر می‌باشد (آمارنامه استان خوزستان سال ۱۳۸۵). از نظر مذهبی مردم شهرستان بهبهان مردمی معتقد و پایبند به اصول دینی و مذهبی و شهر دارای حالت مذهبی سنتی است و از نظر علمی و فرهنگی در سطح نسبتاً بالایی قرار دارند. تاریخ گذشته این آب و خاک شاهد علماء و فضلالی گرانقدری همچون ابراهیم بهبهانی، محمد علی مجتهد بهبهانی و مرحوم آخوند ملاعلی ابن قطب الدین بهبهانی صاحب تفسیر بی نقطه است. در زمینه بررسی گویش بهبهانی بیشتر آثار

batool_alinezhad@yahoo.com
sharifzade.zahra@yahoo.com

۱- عضو هیئت علمی، گروه زبانشناسی دانشگاه اصفهان
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته زبانشناسی، دانشگاه اصفهان

محدود به ضرب المثل‌ها، فرهنگ عامه و اشعار محلی است و در زمینه واجشناسی تلاشی صورت نگرفته است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها بصورت ضبط صدای گوشپوران و در نهایت جمع‌آوری داده‌ها، اوانگاری و تحلیل دقیق مطالب است هدف از نگارش مقاله حاضر توصیف و بررسی واج‌های گویش بهبهانی در دو گروه همخوان و واکه است. پس از آن آرایش واج‌های این گویش و فرآیندهای واجی به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این مقاله برای شناسائی و معرفی همخوان‌ها و واکه‌ها از جفت‌های کمینه استفاده و توزیع واج‌ها در سه موضع آغازی، میانی و پایانی در کلمه نشان داده شده است. از میان فرایندهای واجی موارد پر کاربرد ذکر شده است.

۲- طبقه بندی واجها :

همانطور که در مقدمه اشاره شد توزیع واج‌ها در این گویش در سه موضع آغازی، میانی و پایانی همراه با مثال نشان داده شده، همچنین ترتیب همخوان‌ها با توجه به محل تولید از لبی‌ها شروع و به سمت چاکنائی‌ها ادامه یافته است. در طبقه‌بندی واکه‌ها ابتدا واکه‌های ساده و سپس واکه مرکب با توجه به جایگاه آنها در واژه (میانی و پایانی) توصیف می‌شوند معادل واژه‌های گویش بهبهانی به زبان فارسی معیار همراه با واجنویسی داده شده است.

۲-۱ همخوان‌ها :

فارسی معیار	گویش بهبهانی	
نصحیت، عزاداری / pand /	آغازی / pand /	p/ انفجاری، دولبی، بیواک
بزرگ / bozorg /	میانی / lapar /	
گپ، صحبت / gap/	پایانی / gap /	
خیط / xīt /	آغازی / bur /	b/ انفجاری، دو لبی، واکنار
ظرف روغن / — /	میانی /dabbah/	
ناب / nāb /	پایانی /lob /	
مست (حیوان) /mast /	آغازی /tur/	t/ انفجاری، دندان‌ی، بیواک

توصیف دستگاه واجی گویش بهبهانی / ۶۱

/mītavanad / می تواند	/mītu / میانی	
/gofl / قفل و بست	/čeft / پایانی	
/dar / درب	/der / آغازی	d/ انفجاری ، دندانی ، واکندار
/logmeh / لقمه	/ko.di/ میانی	
/sang / سنگ	/bard/ پایانی	
/gūšeh / گوشه	/konj / آغازی	k/ انفجاری ، نرمکامی ، بیواک
/bekub / آنرابکوب	/beyku / میانی	
_____	_____ پایانی	
/maqʔad / مقعد	/cu / آغازی	c/ انفجاری ، کامی ، بیواک
/ — / پر ادعا	/bocca / میانی	
/dahān / دهان	/buc/ پایانی	
/kafš / نوعی پاپوش	/giva / آغازی	g/ انفجاری ، نرم کامی ، واکندار
/miguyad / می گوید	/migu / میانی	
/ʔabru/ ابرو	/borg / پایانی	
/ zarf / نوعی ظرف	/qaday / آغازی	q/ انفجاری ، ملازی ، واکندار
/kise/ کیسه کوچک	/doqala/ میانی	
/čāq / چاق	/čoq / پایانی	
/šekāyat/ شکایت	/ʔarz/ آغازی	ʔ/ انفجاری ، چاکتایی ، بیواک

---	میانمی	-----	
-----	پایانی	-----	
/hille /	حیله	/fand /	آغازی
/tabaq /	طبق جای نان	/koffa /	میانمی
/bād /	باد	/ buf/	پایانی
/jelow /	جلو	/ver /	آغازی
/dāru /	دارو	/davā /	میانمی
-----	پایانی	-----	
/šur /	شور	/sur /	آغازی
/daste /	دسته	/mossah /	میانمی
/nahār /	نهار	/čās /	پایانی
/zāīd /	زایید	/zā /	آغازی
/kamar /	کمر	/māzah /	میانمی
/šekāf /	شکاف	/darz/	پایانی
/raveš /	روشن	/šiva /	آغازی
/mīravad /	می رود	/mišu /	میانمی
/dīšab/	دیشب	/duš /	پایانی
-----	پایانی	-----	
/hījdah /	هیجده	/ha ž da /	میانمی
-----	پایانی	-----	
			آغازی
			میانمی
			پایانی

/f/ سایشی ، لب و دندانی ،
بیواک

/v / سایشی ، لب و دندانی ،
واکدار

/s/ سایشی، لثوی - دندانی
، بیواک

/z / سایشی، لثوی، واکدار

/š/

/ž / سایشی ، لثوی - کامی ،
واکدار

توصیف دستگاه واجی گویش بهبهانی / ۶۳

بجای این واج ، واج / ʃ / را به کار می برند .				
/xar /	خر	/xer /	آغازی	/ x / سایشی ، ملازی ، بیواک
	خرمن گندم /xarman/	/ʃexu /	میانی	
/suxt /	سوخت	/sox /	پایانی	
/qosse /	غصه	/ ɣam /	آغازی	/ ɣ / سایشی، ملازی، واکدار
/ʔ arʃan /	ارجان	/ʔ arɣu /	میانی	
-----		-----	پایانی	
/bali/	بلی - آری	/hā /	آغازی	/ h / سایشی، چاکنایی، بیواک
/pahlu /	کنار چیزی	/kahu /	میانی	
/kuh /	کوه	/ koh/	پایانی	
/qofl /	قفل و بند	/čeft /	آغازی	/č/ انفجاری، سایشی، دندانی - لثوی، بی واک
/taane /	طعنه	/koččah /	میانی	
/ qušeh/	گوشه	/koč/	پایانی	
/ʃām /	جام	/ʃum /	آغازی	/ ʃ / انفجاری - سایشی، دندانی، لثوی، واکدار
/kāpšan /	کاپشن زنانه	/koliʃa /	میانی	
/deym /	کشت دیم	/baʃ /	پایانی	
/surat /	صورت	/ri /	آغازی	/ r / لرزشی ، لثوی ، واکدار
	کره (بچه اسب و الاغ) /korre/	/korrah /	میانی	

/čāhār /	چهار	/čār /	پایانی	
/murče /	مورچه	/mur /	آغازی	/m/ خیشومی ، لثوی ، واکدار
/Kaman /	کمان	/camu /	میانی	
/šekam /	شکم	/com /	پایانی	
/now /	نو	/nu /	آغازی	/n /
/masxare /	مسخره	/dang/	میانی	
/dahane /	دهنه	/xan /	پایانی	
/sāde lowh/	ساده لوح	/līva /	آغازی	/l/ روان، لثوی، واکدار
/dīvaneh /	دیوانه	/calu /	میانی	
/kaĵ/	کج	/xal /	پایانی	
/otaq /	اتاق کوچک	/yord /	آغازی	/y/ روان، کامی، واکدار
/nemīxāhad/	نمی خواهد	/naymī /	میانی	
/xāk /	خاک	/xay /	پایانی	

طبقه‌بندی همخوان‌های گویش بهبهانی

چاکنایی	ملازی	نرمکامی	کامی	لثوی - کامی	لثوی	دندانی	لب و دندانی	دولبی	محل تولید	
									شیوه تولید	
?		k	c			t		p	بیواک	انفجاری
	q	g				d		b	واکدار	
h	x		š	s			f		بیواک	سایشی
	γ		ž	z			v		واکدار	
						č			بیواک	انفجاری سایشی
						ĵ			واکدار	
									بیواک	لرزشی
					r				واکدار	
									بیواک	خیشومی
					n			m	واکدار	
									بیواک	روان
					l				واکدار	

در این گویش در مجموع ۲۵ همخوان وجود دارد که تعداد آن نسبت به زبان فارسی معیار ۲ همخوان بیشتر است. این دو همخوان یعنی /c/ و /ɣ/ در زبان فارسی معیار واجگونه‌هایی از /k/ و /q/ محسوب می‌شوند که در این گویش به دلیل ایجاد تمایز معنایی در تقابل با /k/ و /q/ واج‌های مستقلی به حساب می‌آیند.

۳-۲- واکه‌ها

گویش بهبهانی دارای ۸ واکه ساده و ۴ واکه مرکب است .

واکه	فارسی معیار	گویش بهبهانی
/i/ پیشین ، بسته ، گسترده، کشیده	/mu / مو	/mi/
/e/ پیشین ، نیمه باز، نیمه گسترده ، کوتاه	/bixod / بی خود	/pāšc/
/a/ پیشین ، باز، گسترده ، کوتاه	/tiz / تیز ، تند	/jald/
/a./ پیشین ، باز، گسترده ، نیمه کشیده	/šal/ شل	/la.m/
/u/ پسین ، بسته ، گرد ، کشیده	/āranj / آرنج	/koru/
/o./ پسین ، نیمه باز ، نیم گرد ، نیم کشیده	/šāye?e / شایعه	/čo/
/o/ پسین ، نیم باز ، نیم گرد ، کوتاه	/tekan / تکان	/jom/
/ā/ پسین ، باز ، گرد ، کشیده	/zāyid / زایید	/zā/

۳-۲-۱- واکه‌های ساده گویش بهبهانی

پیشین		پسین	
کوتاه	کشیده	کوتاه	کشیده
	i		u
e		o	o.
a	a.		ā

۳- آرایش واج‌ها :

تمام همخوان‌های گویش بهبهانی در موقعیتی آغازی، میانی و پایانی ظاهر می‌شوند به جز چند واج که عبارتند از: /k/، /ʔ/، /v/ و /ž/. از بین واج‌های فوق /k/ و /v/ در پایان واژه‌ها بکار نمی‌روند، واج /ʔ/ در موقعیت میانی و پایانی واژه‌ها کاربرد ندارد و در موضع پایانی واژه حذف می‌شود و واج /ž/ نیز که فقط در میان واژه آن هم فقط در یک واژه بکار می‌رود. واژه‌های گویش بهبهانی مانند فارسی معیار در موقعیت آغازی قرار نمی‌گیرند و یک همخوان قبل از آنها واقع می‌شود، با وجود این تمام واژه‌ها (اعم از ساده و مرکب) در جایگاه میانی و پایانی واقع می‌شوند. در مورد واژه‌های مرکب واژه /ey/ از بسامد بسیار بالایی برخوردار است اما واژه /oy/ در موارد معدود کاربرد دارد. واژه مرکب /ow/ حاصل فرایند واجی است که هجاهای /āb/ و /ab/ را به /ow/ تبدیل می‌کند. از این رو در بسیاری از واژه‌ها به چشم می‌خورد.

۴- همخوان‌ها در جایگاه نخستین خوشه‌های دو همخوانی

/n/	/navardong/	نردبان	/ ʔ /	/jod/ جغد
/L/	/balg/	برگ	/h/	/sahl/ دیس تراکتور
/r/	/morg/	مرغ	/x/	/raxs/ رقص
/j/	/zajr/	زجر	/m/	/gomb/ کم
/f/	/ešaft/	شکاف	/t/	/atr/ عطر
/š/	/nešt/	نیش	/b/	/labz/ گویش
/s/	/ʔasl/	اصل	/g/	/fogr/ نحس

۵- همخوان‌ها در جایگاه دومین خوشه‌های دو هم خوانی

/b/	/somb/ سم	/m/	/valm/ مناسب
/j/	/konj/ گوشه	/ ʔ /	/ perʔ / پرتاب
/š/	/naxš/ نقش	/n/	/ʔmn/ امن
/p/	/golop/ گونه	/l/	/ketl/ کتری

دور /dir /	/r/	-----	-----
سوخت /sox/	/x/		
تاس /rong/	/g/	زجر /ʃerz/	/z/
خوب /mašt/	/t/	سنگ /bard/	/d/
اذان /bong/	/g/	خاک /xay/	/y/
پرس و جو /pors/	/s/	تاس /sač/	/č/
آمدن آب با سرعت /lef/	/f/	-----	-----

با توجه به نحوه واج‌آرایی می‌توان هجاهای موجود در گویش بهبهانی را به شرح زیر نمایش داد .

۶- ساختمان هجا در گویش بهبهان

ردیف	هجا	مثال
۱	کوتاه CV	/sī/ : برای
۲	متوسط CVC	/čīl/ : دهان
۳	بلند CVCC	/borg/ : ابرو

در گویش بهبهانی، همانند فارسی معیار، انسداد چاکنایی [ʔ] در ابتدای واژه‌هایی که با واکه

شروع می‌شوند درج می‌شود^۱ مانند:

?anʃuma فاتحه زنانه

?eyniyay عینک

?orovay جوی آب

^۱ - prothesis

۷- فرایندهای واجی

در این قسمت به بررسی واج‌ها در گویش بهبهانی و تفاوت‌های آنها با واج‌های فارسی معیار می‌پردازیم. دگرگونی، درج، حذف همخوان‌ها و دگرگونی واکه‌ها و هجاها، به صورت مجزا و با مثال‌های متعدد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. معمولاً فرایندهای واجی در آغازه و پایانه هجا، مرز هجاها و تکواژها دیده می‌شود. در تبیین فرایندهای واجی، صورت‌های فارسی معیار همچون صورت‌های زیرساختی در نظر گرفته می‌شوند.

۷-۱- دگرگونی همخوان‌ها

دگرگونی /ž/

گویش بهبهانی فاقد واج /ž/ است (به جز در یک مورد که ذکر شد) و در واژه‌هایی که در فارسی معیار دارای واج /ž/ هستند، در گویش بهبهانی واج‌های /j/ و /š/ - با توجه به محیط‌های آوایی گوناگون - بکار می‌رود.

/j/ ← /ž/

الف: در ابتدای واژه

/jale/ → /jala/ ژاله

/jāpon/ → /žāpon/ ژاپن

ب: در میان واژه

/q/ ← /x/

/xoli/ → /qālī/ قالی

/naxš/ → /naqš/ نقش

/naxša/ → /naqše/ نقشه

/q/ ← /ɣ/

/q/ در آغاز و یا پایان برخی واژه‌ها، تبدیل به همخوان سایشی واکدار /ɣ/ می‌شود.

/ɣuri/ → /qurī/ قوری

/āyā/? → /āqā/? آقا

/c/ ← /y/

حضور واکه /a/ قبل از واج /c/ پایانی باعث تبدیل شدن واج /c/ به نیم واکه /y/ می‌شود.

/ʔarusac/ → /ʔarusay/ عروسک

/xārac/ → /xāray/ خارک

/tarac/ → /taray/ ترک

/lačac/ → /lačay/ لچک

/h/ ← /g/

واج */g/* در این گویش قبل از واکه */i/* تبدیل به */h/* می‌شود.

/zendegi/ → /Zendehi/ زندگی

/darmāndegi/ → /darmondehi/ درماندگی

/bačegi/ → /bečehi/ بچگی

/suxtegi/ → /soxtehi/ سوختگی

دگرگونی /b/ به /w/

این دگرگونی را می‌توان نوعی فرایند تضعیف نامید که در آن یک همخوان انسدادی دو لبی به یک همخوان ناسوده دولبی نرمکامی تبدیل می‌شود.

/jib/ → /jiw/ جیب

الف : در پایان واژه :

/lebās/ → /lewās/ لباس

ب : در بین دو واکه :

/dobare/ → /dowarta/ دوباره

دگرگونی /w/ (از زبان پهلوی) به /b/^۱

در این موارد، در واژه‌های فارسی پهلوی که با غلت */w/* آغاز شده‌اند، این واج طی فرایند تقویت، تبدیل به انسدادی */b/* می‌شود.

/wafr/ → /barf/ برف

۱- صورت‌های زیرساختی حاوی واج */w/* در زبان پهلوی از مکنزی (۱۳۷۹) به ترتیب از صفحات ۲۹۴، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۵۶ گرفته شده است.

پرنده /wāyenday/ → /bāhenda/

گنجشک /winjīšk/ → /bengešt/

فرایند تضعیف و تقویت که در دو جهت مخالف یکدیگر عمل می‌کنند، دارای بسامد رخداد متفاوتی هستند، به طوری که فرایند تضعیف بسیار زیبا و فرایند تقویت فقط در مثال‌های معدودی عمل می‌کند.

دگرگونی /r/ و /l/

برگ / barg/ → /balg/

مردار /mordār/ → / mordāl/

۲-۷- درج همخوان

درج /t/

در واژه‌های زیر، همخوان /t/ پس از /š/ پایانی افزوده می‌شود.

بالش /bāleš/ → /belešt/

نیش /niš/ → /nešt/

روش /raveš/ → /ravešt/

۳-۷- حذف همخوان

حذف /t/

در واژه‌هایی که به /t/ ختم می‌شود، این همخوان معمولاً حذف می‌شود.

سوخت /suxt/ → /sox/

دوخت /duxt/ → /dox/

ریخت /rxt/ → /rex/

پخت /pox/ → /pox/

حذف /n/

/n/ پایانی در این گویش، گرایش به حذف شدن دارد.

زبان /zabān/ → /zabu/

دندان /dandān/ → /dendu/

باران /bārān/ → /bāru/

قندان /gandān/ → /gandu/

در این کلمات دو فرایند در پایان واژه اتفاق افتاده است .

۱- تبدیل واکه /ā/ به /u/ قبل از خیشومی /n/ در پایان واژه

۲- حذف همخوان خیشومی /n/ از پایان واژه .

هنگام افزودن پسوند جمع /-ā/ به انتهای این واژه‌ها /n/ در روساخت ظاهر می‌شود .

/dendun-ā/ دندان‌ها

حذف /h/

/h/ پایانی در این گویش حذف می‌شود.

شاه /šāh/ → /šā/

ماه /māh/ → /mā/

چاه /čāh/ → /ča/

راه /rāh/ → /ra/

۴-۷- دگرگونی واکه‌ها

/u/ ← /i/ تبدیل واکه پسین به پیشین

در گویش بهبهانی، واکه /u/ به /i/ تبدیل می‌شود؛ تبدیل /u/ به /i/ یا بالعکس به دلیل داشتن مشخصه‌های مشترک بین این دو واکه است. هر دو افراشته، سخت و ناسوده هستند.

مو /mu/ → /mi/

پوک /puk/ → /pik/

سوزن /suzan/ → /sizan/

دور /dur/ → /dir/

خون /xun/ → /xin/

/ā/ ← /u/ در همه کلمات زیر، بعد از واکه /ā/ یکی از خیشومی‌های /m/ یا /n/ قرار

گرفته است که موجب تبدیل /ā/ به /u/ شده است، این فرایند در بسیاری از گویش‌های

ایرانی دیده شده است (صادقی، ۱۳۶۳) :

زانو /zānu/ → /zuni/

جام /Ĵām/ → /Ĵum/

نام /nām/ → /num/

شام /šām/ → /šum/

۷-۵- دگرگونی هجا

در سه گروه کلمات زیر، سه هجای /ab/, /āb/, /af/ تبدیل به /ow/ شده‌اند. در این موارد، همخوان‌های لبی /b/ و /f/ تبدیل به /w/ شده‌اند. تضعیف همخوان‌های لبی f, v, b و تبدیل آنها به غلت w در بسیاری از گویش‌های ایرانی دیده می‌شود. هر گاه همخوان‌های لبی f, v, b در پایانه هجا قرار گیرند، تضعیف می‌شوند و به غلت w تبدیل می‌شوند. این فرایند نیز در روند فرایند دیگری واقع می‌شود که واکه هسته هجا، تحت تاثیر غلت w قرار می‌گیرد و در مشخصه پسین و گرد بودن با w همگون می‌شود. همچنین مشخصه [+افراشته] از مشخصه‌های w روی واکه قبل تاثیر می‌گذارد و موجب ارتقای واکه می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۷۹). این تحقیق در مورد تبدیل سه فرایند ذکر شده به /ow/ در گویش بهبهانی نیز صدق می‌کند.

الف : /āb/ ← /ow/

خواب / xāb / → / xow /

آب / ?āb / → / ?ow /

شتاب / šetāb / → / ?eštow /

آفتاب / ?āftāb / → / ?aftow /

ب : /ab/ ← /ow/

لب /lab/ → /low/

تَب /tab/ → /tow/

شَب /šab/ → /šow/

اِبَر /?abr/ → /?owr/

ج : /af/ ← /ow/

افسار / ?afsār / → / ?owsār /

افشاندن مو / afšandan/ → /drowšanide /

کفش / kafš / → / kowš /

درگوش بهیمنانی، اغلب برای ساختن اسم‌های تصغیر و تحقیر و با ساختن صورت‌های خودمانی یا کوتاه شده اسم خاص، پسوند **-ay** به انتهای اسامی خاص افزوده می‌شود. در بیشتر موارد افزودن این پسوند باعث حذف برخی از واج‌های واژه می‌شود به طوری که واج‌آرایی مجدد صورت می‌گیرد. اسم کوتاه شده حاصل، دارای سه هجاست. هجای نخست شامل یک همخوان و یک واکه است. هجای اول **TCV** هجای دوم دارای یک همخوان و یک واکه **CV** و هجای سوم شامل یک واکه، یک نیم واکه و یک واج میانجی **/y/** است.

رحمان /rahmān/ → /ra:manay/

زینب /zeinab/ → /ze:nabay/

مینا /minā / → /minayay/

رضا /rezā / → /rezāyay/

صدیقه /sedīge/ → /sedīgeyay/

بعضی مواقع برای ساختن اسم تصغیر، پسوند **/ay/** فقط به انتهای اسم مورد نظر

افزوده می‌شود.

جمشید /Ĵamšīd/ → /Ĵamšīday/

حسین /hosein / → /hoseinay/

کریم /karīm / → /karimay/

پسوند **-ay** در معنای تحقیر علاوه بر اسامی، به صفات نیز متصل می‌شود. این جنبه

از کاربرد **-ay** زمانی رخ می‌دهد که کسی با صفت وی یاد شود یا مورد خطاب (غیر

مودبانه) قرار گیرد.

کر /kar/ → /kar/+ay/

لنگ /lang / → /lamay/

شل /šal / → /šalay/

در این مقاله دستگاه واجی گویش بهبهانی معرفی و توصیف گردید. این گویش دارای ۲۵ همخوان و ۱۲ واکه است و غلت [W] در آن واجگونه‌ای از واج‌های /v/، /b/ و /f/ است و آرایش هجا در آن بصورت CVCC می باشد.

فرایندهای واجی، در این گویش به صورت زیر خلاصه می‌شوند .

۱- به علت نبود همخوان /ž/ در این گویش در واژه‌های فارسی معیار که دارای این واج هستند واج /ž/ به یکی از واج‌های /j/ و یا /š/ تبدیل می‌شود.

۲- سه نوع فرایند تصغیف که عبارتند از دگرگونی /b, v, f/ به غلت /w/، دگرگونی /q/ به /x/ و /ɣ/ و دگرگونی /ž/ به /š/ و /j/

۳- یک نوع فرایند تقویت در واژه‌هایی که اغلب صورت زیرساختی آنها از زبان پهلوی است دیده می‌شود.

تبدیل غلت /w/ به /b/ که در ابتدای واژه رخ می‌دهد .

۴- فرایند درج /t/ پس از /š/ پایانی و همچنین تبدیل /r/ به /l/، /c/ به /y/ و /g/ به /h/ .

۵- حذف /h/ پایانی پس از /a/ و کشش جبرانی در این واکه که حاصل حذف همخوان است .

۶- در واکه‌های این گویش، چهارفرایند پریسامد دگرگونی واکه‌ای مشاهده می‌شود :

۶-۱ - دگرگونی /u/ به /i/

۶-۲ - دگرگونی /ā/ به /u/ قبل از خیشومی‌ها

۷- در هجاهای /ab/، /āb/ و /af/ دو فرایند واجی تضعیف /b/ و /f/ به غلت /w/ و سپس فرایند همگونی واکه با غلت و ارتقای واکه به /o/ می‌شود .

۸- در مورد اسم‌های خودمانی، افزودن پسوند تصغیر /ay/ به پایان اسم‌های خاص و حذف برخی واج‌های واژه که موجب واج‌آرایی مجدد می‌شود .

- آرلاتو ، الف (۱۳۷۳) *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرس، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- آموزگار، ژ. و احمد تفضلی (۱۳۸۰) *زبان پهلوی : ادبیات و دستور آن* ، تهران : انتشارات معین .
- ثمره، ی. (۱۳۷۴) *آواشناسی زبان فارسی* ، تهران : مرکز نشر دانشگاهی .
- خلیلی ، ک. (۱۳۷۳) *فرهنگ مشتقات مصادر فارسی* ، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- رضایی باغ بیدی، ح. (۱۳۸۰) *معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، تهران : فرهنگستان زبان و ادب فارسی .
- صادقی ، ع. (۱۳۶۳) «تبدیل am-an به un-um- در فارسی گفتاری و سابقه تاریخی آن» ، *مجله زبان‌شناسی* ، س ۱ ، ش ۱ ، صص ۵۲-۷۱ .
- کرد زعفرانلو کامبوزیا ، ع. (۱۳۷۹) *واج شناسی خود - واحد و کاربرد آن در فرایندهای واجی زبان فارسی* ، رساله دکتری ، دانشگاه تهران .
- مکنزی ، د. (۱۳۷۹) *فرهنگ کوچک زبان پهلوی* ، ترجمه مهشید فخرایی ، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- همایون، ه. (۱۳۷۲) *واژه نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته* ، تهران : مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .